

تبیین مؤلفه‌های جغرافیایی تاثیر گذار بر حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان

سید امیرحسین مسرور

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

فرهاد حمزه^۱

گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محمد رضا حافظنیا

گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۵

چکیده

مکان‌ها و فضاهاى جغرافیایی و ژئوپلیتیکی دارای ویژگی‌های و ارزش‌های خاصی هستند و منابع و مزیت‌ها نیز در سطح جهان به‌طور متعادل پخش نمی‌باشند. به عبارتی الگوی پخش عرضه مزیت‌ها و نیز تقاضای مزیت‌های جغرافیایی نامتعادل است. از این رو مکان‌ها و فضاهاى جغرافیایی و به دنبال آن گروه‌های انسانی ساکن در آن‌ها، ملت‌ها و حکومت‌ها به یکدیگر نیازمند و وابسته می‌شوند. وابستگی ژئوپلیتیکی منعکس‌کننده این واقعیت است. توسعه حوزه نفوذ فرهنگی و بهره‌برداری مطلوب از تمامی مؤلفه‌های جغرافیایی برای ایجاد همگرایی با سایر کشورها، صرفاً از طریق انجام تحقیقات علمی و شناسایی دقیق عناصر جغرافیایی ممکن است در این راستا و به منظور انجام مطالعه موردی حوزه ژئوکالچر ایران و جمهوری آذربایجان که به دلیل تنوع مؤلفه‌های جغرافیایی از ویژگی و اهمیت خاصی برخوردار است برای مطالعه انتخاب شد و به عنوان الگویی قابل تعمیم به سایر مناطق مورد بررسی قرار گرفت. بر این اساس، این مقاله با رویکردی توصیفی و تحلیلی به بیان اینکه مؤلفه‌های جغرافیایی انسانی و طبیعی بر روابط دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان تأثیرگذار بوده‌اند مورد بررسی قرار گرفت. از آنجایی که وجود فرهنگ یکی از مؤلفه‌های جغرافیایی است که به سرعت بار و معنای سیاسی یافته و بازیگران سیاسی از آن به عنوان ابزار اعمال قدرت و فشار بر رقبای خود استفاده می‌نمایند به خوبی گویای این حقیقت است که مؤلفه‌های جغرافیایی هرگاه بار سیاسی پیدا نمایند واکنش‌های مثبت و منفی مختلفی را در پی خواهند داشت که منجر به ایجاد همگرایی و یا واگرایی در نواحی جغرافیایی شده و زمینه مناسبی برای اعمال قدرت قلمرو جغرافیایی فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی: مؤلفه‌های جغرافیایی، ژئوکالچر، همگرایی، واگرایی، ایران، آذربایجان.

مقدمه

مزیت‌های جغرافیایی کشورها از طیف گسترده‌ای برخوردار است. لکن برخی از کشورها از تمام یا بخشی از آن برخوردارند و برخی از آن‌ها را ندارند. این ضرورت وابستگی متقابل جغرافیایی، فلسفه همکاری و تعامل بین‌المللی و توسعه و تکامل سیستم سیاسی جهان است. البته دولت‌ها برای تأمین نیازهای خود همیشه از روش‌های مسالمت‌آمیز استفاده نمی‌کنند و گاهی با ترفندهای سیاسی، سلطه، نفوذ، زور و غیره سعی بر تعرض، کنترل و تصرف مزیت‌های جغرافیایی دیگران رادارند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۲۴). دغدغه اصلی همه کشورهای فعال در عرصه بین‌الملل از جمله جمهوری اسلامی ایران و آذربایجان به عنوان کشورهای علاقه‌مند به قلمرو سازی و گسترش حوزه تمدن اسلامی در فراسوی مرزها و بهره‌برداری مطلوب از قدرت ناشی از روابط سیستماتیک مؤلفه‌های جغرافیایی که ضمن الفت و همسویی و سازگاری با یکدیگر کارکرد مشترک یافته‌اند در راستای ایجاد همگرایی با همسایگان است.

شناسایی عوامل مؤثر در ایجاد همگرایی و کاهش واگرایی‌ها در حوزه‌های ژئوکالچر صرفاً از طریق مطالعه ابعاد مختلف وجودی، کارکردی، تکوینی، مکانی و سیستماتیک این پدیده‌ها ممکن است. بدیهی است قلمرو سازی فرهنگی و تغییر ژئوکالچر در فراسوی مرزها فقط با تعمیق عمق ژئوپلیتیکی از طریق بهره‌برداری از تمام ظرفیت‌های جغرافیایی در اختیار برای توسعه حوزه‌های نفوذ تمدنی ممکن بوده و منوط به انجام مطالعات بنیادی است و در مقابل عدم انجام این تحقیقات موجب از دست رفتن فرصت‌ها و آسیب‌پذیری در قبال اقدامات رقبای جهانی و منطقه‌ای است. بر این اساس با عنایت به اینکه بر اساس سوابق موجود تحقیقات ارزشمند و گسترده‌ای در زمینه‌های مختلف مرتبط با موضوع روابط کشورهای ایران و جمهوری آذربایجان انجام پذیرفته است ولی تاکنون در زمینه تبیین مؤلفه‌های جغرافیایی تأثیرگذار بر حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان از طریق مطالعه موردی روابط فرهنگی دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان انجام نشده است این پژوهش ضروری به نظر رسید. با توجه به این مقدمه سؤال اصلی مقاله حاضر این است که عناصر و خصیصه‌های جغرافیایی که موجب همگرایی و واگرایی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان شده‌اند کدامند؟ فرضیه‌ای را که برای پاسخگویی به این سؤال در صدد تحلیلان بر آمده‌ایم این است که مؤلفه‌های جغرافیایی موجب همگرایی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان شامل مؤلفه‌های طبیعی ناشی از: تعامل‌های فضایی، مجاورت، همسایگی و مؤلفه‌های انسانی ناشی از تجانس زبانی، قومی، مذهبی و فرهنگی و از سوی دیگر مؤلفه‌های موجب واگرایی شامل منافع متعارض دو کشور، مداخله کشورهای برون منطقه و رقبای ژئوپلیتیکی منطقه‌ای دو کشور ایران و آذربایجان است. این مقاله از نوع بنیادی و کاربردی بوده و در جستجوی کشف حقایق و واقعیت‌ها به منظور توسعه مرزهای دانش بشری و تولید معرفت در زمینه تبیین مؤلفه‌های جغرافیایی تأثیرگذار بر حوزه‌های ژئوکالچر از طریق مطالعه موردی حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان بوده و با استفاده از روش ترکیبی تحقیقات بنیادی نظری و تجربی، اطلاعات و مواد اولیه با روش‌های کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و با روش‌های مختلف استدلال و با استفاده از عقل و فکر محقق مورد تجزیه و تحلیل عقلانی قرار گرفته و نتیجه‌گیری شد؛ و برای تجزیه و تحلیل آزمون با استفاده از رگرسیون و R^2 ضریب تعیین متغیرها نشان داده شد و همچنین با استفاده از تحلیل مسیر اثر مستقیم و غیرمستقیم متغیرها مطرح شده است.

رویکرد مفهومی و نظری

ژئوکالچر، یعنی اهمیت دادن به عناصری چون فرهنگ، زبان، قومیت و مذهب در کنار سایر عوامل ژئوپلیتیکی است. به نظر می‌رسد ژئوپلیتیک نوین ترکیبی از مفاهیم ژئوپلیتیک کلاسیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر باشد (حافظ نیا، ۱۳۹۳: ۹۱). ژئوکالچر یا ژئوپلیتیک فرهنگی فرآیند پیچیده‌ای از تعاملات قدرت، فرهنگ و محیط جغرافیایی است که طی آن فرهنگ‌ها هم چون سایر پدیده‌های نظام اجتماعی همواره در حال شکل‌گیری، تکامل، آمیزش و جابجایی در حال زمان و در بستر محیط جغرافیایی کره زمین هستند؛ به عبارت دیگر ژئوکالچر ترکیبی از فرایندهای مکانی-فضایی قدرت فرهنگی میان بازیگران بی‌شماری است که در لایه‌های مختلف اجتماعی و در عرصه محیط یکپارچه کره زمین به نقش‌آفرینی پرداخته و در تعاملی دائمی با یکدیگر به سر می‌برند (حیدری، ۱۳۸۳: ۸۷). واژه ژئو در ابتدای این مفهوم دارای بار ارزنده جغرافیایی است که پرداختن به آن مستلزم گشودن بحث در خصوص مفاهیم «فرهنگ» در جغرافیای سیاسی است؛ زیرا محور بحث در باره اصلاح پیوندهای فرهنگی و سیاسی است (اخباری و مؤذن جامی، ۱۳۸۹). مناسبات بین‌المللی فقط به روابط سیاسی و اقتصادی بین دولت‌ها ختم نمی‌شود، بلکه فرهنگ و مسائل قومی از نقش و جلوه قابل‌توجهی برخوردارند بنابراین می‌توان چنین عنوان نمود که مطالعه رابطه بین فرهنگ با همه عمق و وسعت آن با سیاست و قدرت، موضوعی است که می‌تواند مورد توجه ژئوپلیتیک قرار گیرد (سنایی، ۱۳۸۵: ۳۴).

همگرایی به لحاظ مفهومی عبارت است از تقریب و نزدیک شدن افراد به سمت نقطه‌ای مشخص که معمولاً به عنوان هدف مشترک آنان شناخته می‌شود و واگرایی در برابر آن، عبارت است از تفکیک و جدایی از همدیگر و دور شدن آن‌ها از هدف مشترک و حرکت به سمت هدف‌های خاص. فرآیند همگرایی و واگرایی در ارتباط با بازیگران سیاسی و دولت‌ها، از احساس و درک هدف و منفعت مشترک و یا برعکس آن اهداف و منافع متعارض شروع می‌شود و سپس مراحل بعدی آن ادامه پیدا می‌کند و نیروهای اصلی و یا کاتالیزور به تقویت روند کمک نموده تا فرآیند را کامل نمایند. این فرآیندها از حیث تجلی فضایی ممکن است در مقیاس‌های محلی، منطقه‌ای و جهانی شکل بگیرند. مرحله پایانی فرآیندهای مزبور را یکپارچگی با پیامدهایی چون امنیت، صلح و توسعه و یا برعکس تجزیه با پیامدهایی چون تنش، جنگ و توسعه نیافتگی تشکیل می‌دهد. نمودارهای زیر مراحل فرآیند همگرایی و واگرایی را بیان می‌کند (حافظ نیا، ۱۳۹۳: ۳۷۳)

عمده‌ترین عوامل جغرافیایی تأثیرگذار در تولید تنش و منازعه بین کشورها، عبارت‌اند از:

- ۱- فضا و خاک: کشورهای قوی‌تر معمولاً چشم طمع به قلمرو سرزمینی دیگران، به ویژه همسایگان خود دارند و برای نفوذ در فضای جغرافیایی و یا حتی تصرف اراضی آن‌ها تلاش می‌کنند.
- ۲- مسیر ارتباطی: همه کشورها، به ویژه کشورهای محصور در خشکی نیاز به ارتباط با دنیای خارج دارند. برخی هم برای تردد کشتی‌های تجاری و جنگی به آبراه‌ها و تنگه‌هایی نیازمندند که در قلمروی آن‌ها نیست؛ بنابراین تلاش کشورهای نیازمند برای دسترسی به این زمینه‌ها و تلاش دارندگان گذرگاه‌های زمینی، هوایی و دریایی برای بهره‌مندی بیشتر، باعث تنش می‌شود.

- ۳- خط تقسیم آب و سرچشمه رودخانه‌ها: هنگامی که چنین پدیده‌ای در مرز دو کشور باشد، فرسایش بستر رود، جابه‌جایی مرز را به دنبال دارد و پیامد آن تنش و اختلاف مرزی دو کشور همسایه است.
- ۴- رودخانه‌هایی که در مسیر خود از چند کشور می‌گذرند: آن‌ها تمام یا بخشی از سرزمین کشورهای مسیر گذر را سیراب می‌کنند و در تنش‌زایی میان این کشورها نقش دارند، چون شهروندان هر کشور مدعی «حق آب» هستند و هر دست‌کاری در آب رودخانه‌ها، مانند احداث سد، بهره‌برداری بیشتر، تغییر مسیر و... می‌تواند به اختلافات دامن بزند.
- ۵- مرز دریایی مشترک: این مرزها گرچه بر اساس مفاد کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها مشخص می‌شود، اما چگونگی ترسیم خط مرز و قلمرو سازی، بهره‌برداری از کانی‌های فلات قاره، ذخایر آبزیان و نیز شیوه مالکیت یا تصرف جزایر می‌تواند باعث تنش میان کشورهای ذی‌نفع شود.
- ۶- تعیین مرزهای مشترک دریاچه‌ای که برای رژیم گذاری میان کشورهای ساحلی آن‌ها مسئله آفرین است.
- ۷- منابع زیرزمینی مشترک مرزی که در دو سوی خط مرز گسترش پیدا کرده‌اند: چنانچه میان کشورهای ذی‌نفع، بر سر شیوه بهره‌برداری از آن‌ها توافقی حاصل نشود، می‌تواند به تنش میان آن‌ها بینجامد.
- ۸- مجاورت پایتخت یا شهر بزرگ و حساس یک کشور با مرز: به دلیل قائل شدن حاشیه امنیتی برای آن.
- ۹- یک موقعیت استراتژیک: که برخورداری از آن موازنه قدرت نظامی را دگرگون می‌کند و دارنده آن می‌تواند کشور رقیب را زیر فشار بگذارد و یا تهدید کند.
- ۱۰ - ذخایر کانی یا سوختی چشمگیر و غنی: که کشور همسایه یا کشورهای قدرتمند برون‌مرزی و جهانی به آن چشم می‌دوزند و برای تصرف یا بهره‌برداری از آن می‌کوشند.
- ۱۱ - روش مصنوعی باران‌زا کردن ابرهای گذرنده: که ممکن است با اعتراض کشورهای همسایه که همه ساله به شکل سنتی و طبیعی از ذخیره رطوبتی این ابرها سهم و بهره‌ای داشته‌اند، قرار بگیرد.
- ۱۲ - جابه‌جایی عشایر در دو سوی مرز بین‌المللی: عشایری که برای ادامه حیات و بقای خود به دام‌پروری متکی هستند و زندگی دامی آن‌ها هم به علفزارهای مناطق بیلاق و قشلاق بستگی دارد، جابه‌جایی آن‌ها در دو سوی مرز بین‌المللی می‌تواند تنش‌زا باشد.
- ۱۳ - گروه اقلیت جدایی‌خواه: اقلیت‌های قومی یا مذهبی که در حاشیه کشورها مستقرند؛ چنانچه از اندازه و وزن ژئوپلیتیکی کافی برخوردار باشند و عوامل بیرونی نیز به آن‌ها کمک کند، می‌تواند منشأ تنش با کشور مادر باشند و بر روابط آن با کشورهای محرک یا پشتیبان خود تأثیر منفی بگذارد.
- ۱۴ - گروه اقلیت محاط در خشکی کشور مادر: که مورد حمایت کشور متروپل حامی خود قرار می‌گیرد.
- ۱۵ - گروه اقلیت پراکنده در دو سوی مرز: که با یکدیگر تعاملات فضایی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و... میان مرزی دارند.
- ۱۶ - گروه اقلیت گسترش یافته از یک کشور به کشور مستقل دیگر: برخی گروه‌های اقلیت حاشیه کشورها، به گونه‌ای دنباله ملت کشور دیگر هستند و با آن تجانس دارند؛ چنانچه حکومت‌های مادر بخواهند، می‌توانند از آن‌ها به عنوان اهرم فشار علیه همسایه استفاده و یا آنان را به جدایی از آن کشور و پیوستن به خود تشویق کنند.

۱۷ - تفاوت‌ها و تضادهای فرهنگی و هویتی: گاهی سازه‌های انسانی و ملت‌های همسایه به علت خصیصه‌های فرهنگی و دینی متفاوت با هم سازگاری ندارند و این پدیده به بروز تنش، اختلاف و کشمکش بین آن‌ها کمک می‌کند (احمدی، ۱۳۹۶: ۳۴۱-۳۴۷)

نظریه زمینه‌ها و عوامل همگرایی جغرافیایی عوامل زیر را بر مسئله واگرایی مؤثر می‌داند؛

۱- ویژگی‌ها و ارزش‌های مشترک جغرافیایی، تاریخی، تمدنی، فرهنگی، زبانی، دینی، قومی، ایدئولوژیکی و نظایر آن که به ایجاد تجانس ساختاری می‌انجامد؛ مانند اتحادیه عرب.

۲- تهدیدات مشترک اعم از امنیتی، نظامی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و غیره. نظیر پیمان ناتو که بر پایه احساس تهدید مشترک از سوی شوروی سابق تشکیل شد.

۳- کارکردها و علایق مشترک که به همسانی عملکردی و منافع مشترک می‌انجامد. نظیر اوپک برای تولید کنندگان نفت و گروه ۸ برای دول صنعتی.

۴- نیازهای متقابل و وابستگی دو یا چند جانبه که نوعی هم تکمیلی در حوزه‌های کارکردی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و غیره را مبتنی بر مزیت‌های هریک از اعضا منعکس می‌نماید؛ مانند سازمان‌های منطقه‌ای آسه آن و اتحادیه اروپا و منطقه اقیانوس آرام.

۵- موقعیت ژئوپلیتیکی و قدرت برتر که نقش اصلی را در تأسیس و رهبری همگرایی به عهده می‌گیرد. نظیر جوامع کشورهای مشترک المنافع به رهبری انگلستان و روسیه که اعضای آن را اعمار دوره استعمار و حاکمیت آن‌ها تشکیل می‌دهد.

۶- ضرورت‌های جهانی و کروی که مدیریت فراگیر و یکپارچه جهانی را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. مثل هوانوردی و کشتیرانی، محیط‌زیست و غیره. عوامل و بسترهای اساسی مزبور و نیز متغیرهای مربوط به هر کدام می‌توانند به صورت انفرادی و یا ترکیبی بر شکل‌گیری فرآیند همگرایی و پدیدار شدن سازمان‌ها و تشکل‌های بین‌المللی در مقیاس‌های محلی (همسایگی)، منطقه‌ای و جهانی تأثیر بگذارند (حافظ نیا، ۱۳۹۳: ۳۷۸)

محمد رضا حافظ نیا عوامل زیر را به عنوان عوامل واگرایی می‌داند:

۱- گسیختگی فضایی و جغرافیایی و فقدان بستر و کالبد یکپارچه ساز به خصوص در مقیاس محلی و منطقه‌ای؛ زیرا سازه‌های منطقه‌ای عموماً نیاز به کالبد فضایی - جغرافیایی اعم از خشکی، آبی یا هر دو دارند

۲- گسیختگی، تضاد و تعارض فرهنگی، دینی و ایدئولوژیکی. کشمکش‌های دوره جنگ سرد بین دنیای شرق و غرب به رهبری شوروی و آمریکا و نیز منازعه اعراب و اسرائیل در خاورمیانه نمونه‌های ایدئولوژیکی آن است. نظریه برخورد تمدن‌های ساموئل هانتینگتون نیز بر همین پایه قرار دارد.

۳- تعارض منافع ملی و جمعی در امور منطقه‌ای و جهانی، نظیر توسعه حوزه نفوذ در مناطق دچار خلأ قدرت و نیز رقابت قدرت برای سیادت منطقه‌ای و جهانی

۴- بروز تعارضات درون ساختی و نگرش رقابت‌آمیز اعضاء نسبت به یکدیگر، به ویژه آن‌هایی که دارای وزن ژئوپلیتیکی متوازن می‌باشند (نظیر ترکیه، ایران و پاکستان در اکو)، یا احساس تهدید امنیتی نسبت به همدیگر.

۵- محو شدن اهداف و یا تهدیدات مشترک اعضا

۶- وجود سازه‌های ائتلافی رقیب و یا متداخل که می‌تواند برخی از اعضای ائتلاف را جذب و باعث از هم پاشیدگی آن بشود.

۷- بروز تحولات درون ساختی هر یک از اعضاء در زمینه‌های سیاسی، ایدئولوژیک و غیره. نظیر فروپاشی پیمان سنتو با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران

۸- رقابت اقتصادی که منعکس کننده تلاش جوامع و دولت‌های سرمایه‌داری برای جذب بیشتر بازار محصولات، نیروی انسانی و مواد خام ارزان‌تر است (همان: ۳۷۹)

منطقه مورد مطالعه

کشور آذربایجان در شرق، شمال شرق و جنوب شرق دارای موقعیت ساحلی است. باکو بزرگ‌ترین شهر و پایتخت این کشور نیز دارای موقعیت ساحلی است. شهرهای بزرگ دیگری مانند سومیقات، لنکران و آستارا هم از چنین موقعیتی برخوردار می‌باشند. از ۲۰۱۳ کیلومتر مرز مشترک این کشور شامل خاک اصلی و جمهوری نخجوان ۸۰۰ کیلومتر دارای موقعیت ساحلی است. شهرهای گنجه، مینگه چویروعلی بایراملی نیز موقعیت بری دارند. از نظر استراتژیک سواحل شرق و جنوب شرقی این کشور به دلیل استخراج نفت و گاز و نزدیکی به ایران و ارمنستان اهمیت داشته و شمال این کشور به دلیل عبور لوله‌های نفتی باکو جیهان اهمیت دارد نخجوان نیز به دلیل موقعیت برون بوم آن و قرار گرفتن در خارج خاک اصلی مهم است (واحدی، ۱۳۸۲: ۲۰).



نقشه ۱: موقعیت کشور جمهوری آذربایجان

منبع: (<http://www.hotels-europe.com>)

آذربایجان در کنار دریای مازندران سواحل مناسبی دارد و بندر باکو امکانات مناسبی برای پهلوگیری، بارگیری و تخلیه انواع کالا برای شناورها فراهم نموده است لیکن دستیابی شناورها از دریای مازندران به آب‌های آزاد مستلزم

عبور از کانال ولگا - دن است که از جهت حجم و تناژ کشتی‌ها محدودیت دارد و از جهت سیاسی و اقتصادی نیز عبور از آن مستلزم هماهنگی با روسیه و پرداخت عوارض عبور است. مسیر دیگر آذربایجان برای دستیابی به آب‌های آزاد عبور از گرجستان و رسیدن به دریای سیاه یا عبور از گرجستان و ترکیه و اتصال به دریای مدیترانه است. مسیر فعلی ترانزیت کالا به صورت شرقی غربی و لوله‌های سابق نفت از باکو تا سوپسا در بندر پوتی گرجستان مسیر اول و مسیر طراحی شده برای احداث لوله‌های انتقال انرژی از باکو و تفلیس و تغییر مسیر به جنوب غربی تا وصول به شهر قارص در ترکیه و سپس بندر جیحان در کنار دریای مدیترانه مسیر دوم است. استفاده از مسیر باکو - آستارا و خاک جمهوری اسلامی ایران نیز امکان بسیار مناسبی برای دستیابی آذربایجان به آب‌های آزاد را فراهم می‌نماید که با وجود مزیت جغرافیایی و اقتصادی، به دلیل گرایش‌های سیاسی و ممانعت آمریکا، چندان مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است (افشردی، ۱۳۸۱: ۶۱).



نقشه ۲: تقسیمات سیاسی کشور آذربایجان

منبع: <https://dlca.logcluster.org>

ایران کنونی شانزدهمین کشور جهان با وسعتی در حدود ۱۶۴۸۱۹۵ هزار کیلومتر مربع با مرزهای تثبیت شده فعلی است (مه‌دی‌ان، ۱۳۹۲: ۸۰). از نظر موقع ریاضی، کشور ایران در نیم کره شمالی زمین در فاصله بین مدارهای ۲۵ درجه تا ۳۹ درجه و ۴۷ دقیقه عرض شمالی و نصف النهارهای ۴۴ درجه و ۲ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۲۰ دقیقه طول شرقی قرار گرفته است (همان: ۷۸).



نقشه ۳: موقعیت جغرافیایی ایران منبع: (https://wiki--travel.com)



نقشه ۴: موقعیت مرزهای ایران و آذربایجان منبع: (https://pasarelapr.com)

از نظر موقعیت نسبی، فلات ایران واحد جغرافیایی ویژه‌ای از قاره پهناور آسیا است. این قلمرو جغرافیایی بین فلات‌های ارمنستان و آناتولی در سمت شمال غرب و غرب و فلات پامیر و تبت در طرف شرق واقع گردیده است. به طوری که از شمال به دشت قراقوم ترکمنستان، دریای خزر و رود ارس، از غرب به بین‌النهرین، از شرق به رودخانه سند و از جنوب به خلیج فارس و دریای عمان محدود می‌گردد (همان: ۷۸). ایران به لحاظ موقعیت

ارتباطی، فضای جغرافیایی ایران در محور شمال جنوب در عرصه جغرافیایی آب و خشکی را به هم پیوند می‌دهد و در مسیر عمومی ارتباط قاره‌های اروپا، آسیا و اقیانوسیه، به ویژه آسیای جنوبی و جنوب شرقی قرار دارد (همان: ۷۹). ایران یک سرزمین گذرگاهی است که پل ارتباطی سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا محسوب می‌شود. از سمت شمال غرب به قفقاز، آناتولی، دریای سیاه و اروپا، از شمال و شمال شرق به دریای خزر و آسیای مرکزی، از جنوب و جنوب شرق به دریای عمان، اقیانوس هند و شبه قاره هند و از جنوب غرب با خاورمیانه و شمال آفریقا مرتبط است. هم چنین دالان هوایی بین قاره‌ها از بالای سرزمین ایران می‌گذرد (همان: ۷۹).

یافته‌های تحقیق

تبیین افزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر همگرایی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان در تحلیل رگرسیون چندگانه متغیرهای پیش‌بینی کننده بر اساس اهمیت آن‌ها در تبیین میزان افزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر همگرایی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان، وارد معادله می‌شوند. طبق خروجی رگرسیون چندگانه به ترتیب مؤلفه‌های تجانس و یکپارچگی توپوگرافی، تجانس فرهنگی، شبکه ارتباطی تسهیل‌کننده ارتباطات، تجانس مذهبی و تجانس نژاد و قومیت در معادله باقی مانده‌اند و هیچ مؤلفه‌ای از معادله خارج نشده است. همان‌طور که از جدول ذیل بر می‌آید، تحلیل رگرسیون بر مبنای روش گام به گام برای هر کدام از مؤلفه‌ها پیش رفته است که ابتدا میزان ضریب همبستگی (R) سپس میزان ضریب تعیین یا (R Square) و سرانجام ضریب تعیین تعدیل شده (Adjusted R²) به دست آمده است. همچنین میزان F در جدول ذیل یعنی جدول Anova در سطح ۹۹ درصد (sig=0/000) معنی‌دار شده است که حاکی از معنی‌دار بودن رگرسیون است؛ اما قضاوت در مورد سهم و نقش هر یک از متغیرها در تبیین افزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر همگرایی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان را باید به مقادیر Beta واگذار کرد. جدول ۱: خروجی آزمون رگرسیون چندگانه عوامل مؤثر بر افزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر همگرایی در حوزه ژئوکالچر ایران

و آذربایجان

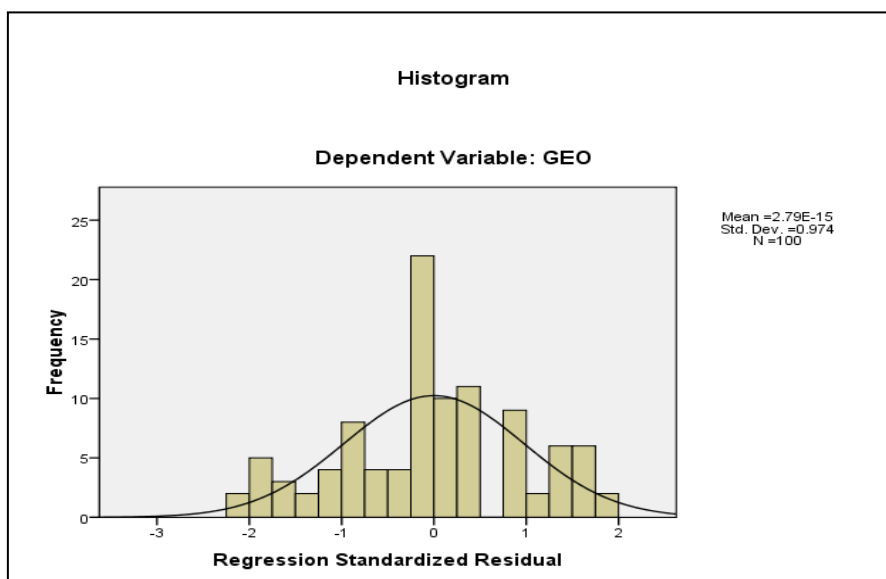
خروجی آزمون رگرسیون چندگانه عوامل مؤثر بر افزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر همگرایی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان								
Sig	Beta	Std. Error	B	Std. Error of the Estimate	Adjusted R Square	R Square	R	
۰۰۰/۰	۰۶۱/۰	۰۸۴/۰	۰۲۵/۰	۳۵۵/۰	۳۵۵/۰	۰/۳۶۱	۰/۶۰۱	تجانس و یکپارچگی توپوگرافی
۰۰۰/۰	۰۴۶۳/۰	۰۷۹/۰	۰۳۴۷/۰	۳۰۷/۰	۰۴۵۵/۰	۰/۶۸۳	۰/۴۶۶	تجانس فرهنگی
۰۰۱/۰	۰۳۱۱/۰	۰۸۶/۰	۰۲۸۳/۰	۲۹۳/۰	۰۵۰۶/۰	۰/۷۲۲	۰/۵۲۱	شبکه ارتباطی تسهیل‌کننده ارتباطات
۰۲۳/۰	۰۱۸۷/۰	۰۸۷/۰	۰۲۰۱/۰	۲۸۶/۰	۰۵۲۸/۰	۰/۷۳۹	۰/۵۴۷	تجانس مذهبی
۰۳۷/۰	۰۱۵۵/۰	۰۵۶/۰	۰۱۱۹/۰	۲۸۱/۰	۰۵۴۴/۰	۰/۷۵۳	۰/۵۶۷	تجانس نژاد و قومیت

منبع: (یافته‌های پژوهش)

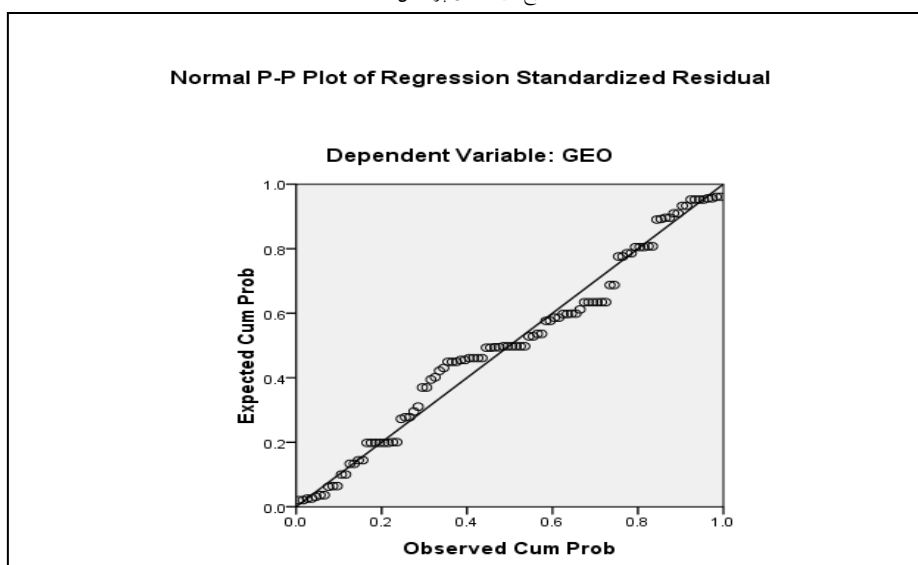
جدول ۲: معادله رگرسیون چندمتغیره برای پیش‌بینی افزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر همگرایی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان

معادله رگرسیون چند متغیره برای پیش‌بینی افزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر همگرایی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان	
$Y = b_1(X_1) + b_2(X_2) + b_3(X_3) + b_4(X_4) + b_5(X_5)$	
$Y = 0/625 (x_1) + 0/347 (x_2) + 0/283 (x_3) + 0/۲۰۱ (x_4) + 0/119 (x_5)$	
B	ضریب رگرسیون غیراستاندارد
X	متغیرهای مستقلی که وارد معادله رگرسیون شده‌اند
Y	مقداری از متغیر وابسته که در نهایت توسط متغیرهای داخل معادله پیش‌بینی می‌شود

منبع: (یافته‌های پژوهش)



نمودار ۱: معادله رگرسیون چند متغیره برای پیش‌بینی افزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر همگرایی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان
منبع: (یافته‌های پژوهش)



نمودار ۲: معادله رگرسیون چند متغیره برای پیش‌بینی افزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر همگرایی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان
منبع: (یافته‌های پژوهش)

۲- نیکوئی برازش مدل نظری: تحلیل مسیر به روش جبری در رگرسیون چندگانه:

در این پژوهش، با توجه به مدل تحلیل مسیر پژوهش، آزمون رگرسیون در چند مرحله انجام شده است. تحلیل مسیر به عنوان روشی برای مطالعه تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به کار برده می‌شود و در واقع تکنیکی است برای درک عاملیت و نمایش الگوی روابط علی در میان متغیرها که به کمک آن، روابط علی میان متغیرهای مشخص شده در مدل، مورد آزمون قرار می‌گیرد.

در تحلیل مسیر، برای ارزیابی مدل از آماره R^2 استفاده می‌شود. در کنار R^2 از طریق کمیت خطا e^2 نیز می‌توانیم مناسب بودن مدل را ارزیابی کنیم. کمیت یا میزان خطا (e^2) که عبارت از $1 - R^2$ است، نشان دهنده میزانی از واریانس متغیر است که متغیرهای مقدم آن را تبیین نکرده‌اند.

جدول (۳) تحلیل مسیر تأثیر عوامل مؤثر بر افزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر همگرایی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان

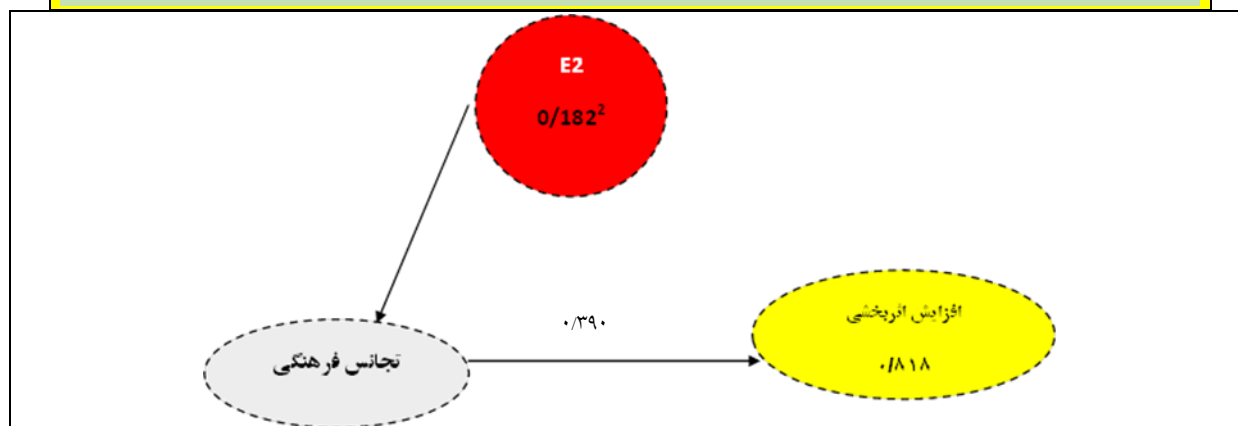
تحلیل مسیر تأثیر عوامل مؤثر بر افزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر همگرایی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان							
عوامل مؤثر بر افزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر همگرایی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان		تأثیر مستقیم		اثرات غیر مستقیم		مجموع اثرات	
تجانس و یکپارچگی توپوگرافی	تجانس فرهنگی و شبکه ارتباطی تسهیل‌کننده ارتباطات	تجانس مذهبی و قومیت	تجانس نژاد و قومیت	اثربخشی مستقیم و غیرمستقیم	تجانس فرهنگی و شبکه ارتباطی تسهیل‌کننده ارتباطات	تجانس مذهبی و قومیت	تجانس نژاد و قومیت
-	۱۶۹/۰	۴۵۹/۰	۰۲۳/۰	۲۸۷/۰	۱/۱	۱۶۶/۰	۳۹۰/۰
۳۹۰/۰	۱۶۶/۰	۰۳۹/۰	۴۳۳/۰	۴۱۵/۰	۵۵۸/۱	۴۹۸/۰	۰۲۳/۰
-	۰۳۴/۰	۰۵۶/۰	۰۴۱/۰	۲۸۹/۰	۹۵۹/۰	۰۳۴/۰	۰۲۳/۰
-	۰۳۴/۰	۰۵۶/۰	۰۴۱/۰	۳۰۰/۰	۰۹۷/۱	۲۸۹/۰	۰۲۳/۰
-	۲۳۹/۱	۰۶۴/۰	۱۹۴/۰	۲۹۴/۰	۹۹۹/۰	۲۳۹/۱	۰۲۳/۰
-	۴۶۳/۱	۰۶۴/۰	۱۹۴/۰	۲۹۴/۰	۲۰۸/۱	۲۳۹/۱	۰۲۳/۰
۳۹۰/۰	۲۳۹/۱	۰۶۴/۰	۱۹۴/۰	۲۹۴/۰	۲۰۸/۱	۲۳۹/۱	۰۲۳/۰
۳۹۰/۰	۲۳۹/۱	۰۶۴/۰	۱۹۴/۰	۲۹۴/۰	۲۰۸/۱	۲۳۹/۱	۰۲۳/۰

منبع: (یافته‌های پژوهش)

لذا در بیشترین و قوی‌ترین تأثیر بر افزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر همگرایی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان می‌توان به تأثیر مستقیم مؤلفه تجانس فرهنگی و اثرات غیرمستقیم مؤلفه‌های تجانس و یکپارچگی توپوگرافی، شبکه ارتباطی تسهیل‌کننده ارتباطات، تجانس مذهبی و قومیت، اشاره نمود.

مدل (۱) مدل علی تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر افزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر همگرایی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان

مدل (۱) مدل علی تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر افزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر همگرایی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان



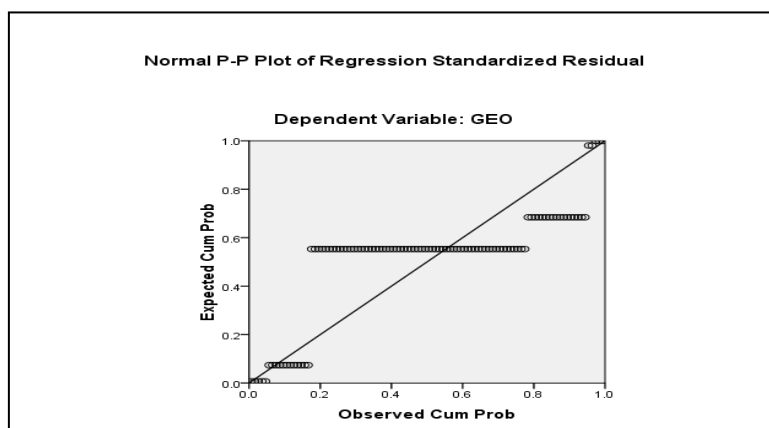
$$e = 1 - 0.818 = 0.182$$

$$R^2 = 1 - e^2 = 1 - 0.182^2 = 0.967$$

$$1 - 0.967 = 0.033$$

منبع: (یافته‌های پژوهش)

تفسیر: بر مبنای مدل علی تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر افزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر همگرایی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان می‌توان گفت: غیر از تجانس فرهنگی هیچ یک از متغیرها بر افزایش اثربخشی تأثیر نمی‌گذارد همچنین افزایش اثربخشی هم تنها بر تجانس فرهنگی تأثیرگذار است؛ بنابراین می‌توان گفت: افزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر همگرایی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان تحت تأثیر مستقیم مؤلفه‌های جغرافیایی (تجانس فرهنگی، تجانس مذهبی، تجانس نژاد و قومیت، تجانس و یکپارچگی توپوگرافی و شبکه ارتباطی تسهیل‌کننده ارتباطات) است.



نمودار ۴: متغیرهای خارج از معادله در مرحله نهایی رگرسیون چند متغیره منبع: (یافته‌های پژوهش)

نیکوئی برازش مدل نظری: تحلیل مسیر به روش جبری در رگرسیون چندگانه

تکنیک تحلیل مسیر از جمله تکنیک‌های کاربردی در رگرسیون چند متغیره است که علاوه بر بررسی اثرات مستقیم اثرات غیرمستقیم این متغیرها را نیز مدنظر قرار می‌دهد.

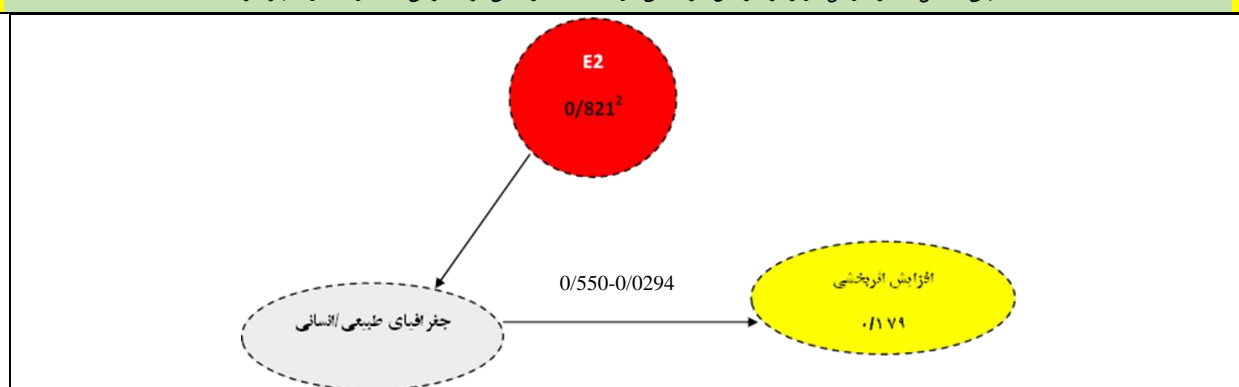
جدول ۷: تحلیل مسیر تأثیر عوامل مؤثر بر افزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر واگرایی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان

تحلیل مسیر تأثیر عوامل مؤثر بر افزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر واگرایی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان						
انواع تأثیر ضرایب مسیر (βi) بر افزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر واگرایی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان						
عوامل مؤثر بر افزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر واگرایی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان	اثرات غیر مستقیم					
	تأثیر مستقیم	جغرافیای طبیعی	جغرافیای انسانی	قدرت‌های جهانی	مداخله منطقه‌ای	رقبای اثربخشی
جغرافیای طبیعی	۵۵۰/۰	۱۰۸/۰	۲۰۴/۰	۱۲۷/۰	۷۷۱/۰	۷۶/۱
جغرافیای انسانی	۲۹۴/۰	۱۱۳/۰	۲۷۶/۰	۲۹۳/۰	۴۳۲/۰	۴۰۸/۱
مداخله قدرت‌های جهانی	-	۲۱۷/۰	۲۷۹/۰	۲۷۴/۰	۱۸۶/۰	۹۵۶/۰
مداخله رقبای منطقه‌ای	-	۱۸۰/۰	۳۹۶/۰	۳۶۷/۰	۱۰۸/۰	۰۵۱/۱
اثربخشی	-	۵۵۰/۰	۲۹۴/۰	۱۲۵/۰	۰۵۴/۰	۰۲۳/۱
مجموع اثرات متغیرها در هر مسیر بر افزایش اثربخشی	۵۵۰/۰	۰۶/۱	۰۷۷/۱	۹۷۲/۰	۷۴۸/۰	۴۹۷/۱

منبع: (یافته‌های پژوهش)

نمودار ۲: مدل علی تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر افزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر واگرایی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان

مدل (۲) مدل علی تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر افزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر واگرایی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان



$e = 1 - 0.179 = 0.821$ مجموع اثرات مستقیم و غیر مستقیم = 6/198

$R^2 = 1 - e^2 = 1 - 0.821^2 = 0/325$ مقدار واریانس تبیین شده

$1 - 0.967 = 0/0325$ مقدار واریانس تبیین نشده

منبع: (یافته‌های پژوهش)

تفسیر بر مبنای مدل علی تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر افزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر واگرایی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان می‌توان گفت: غیر از جغرافیای طبیعی و جغرافیای انسانی هیچ یک از متغیرها بر افزایش اثربخشی تأثیر نمی‌گذارد همچنین افزایش اثربخشی هم تنها بر جغرافیای طبیعی و جغرافیای انسانی تأثیرگذار است؛ بنابراین می‌توان گفت افزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر واگرایی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان تحت تأثیر مستقیم مؤلفه‌های جغرافیایی منافع متعارض دو کشور، (جغرافیای طبیعی، جغرافیای انسانی، مداخله قدرت‌های جهانی و رقبای منطقه‌ای) است.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

انسان ذاتاً موجودی ژئوپلیتیکی است و دغدغه اصلی همه انسان‌ها در شکل فردی و جمعی تعیین حریم و قلمرو سازی است، در طول تاریخ همواره یکی از شاخصه‌های اصلی اقتدار بین‌المللی کشورها بهره‌مندی از روابط مستحکم فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با سایر ملل جهان بوده و در این راستا گسترش روابط فرهنگی بر اساس توانایی‌ها و فرصت‌های ناشی از ژئوکالچر از اهمیت قابل توجهی برخوردار است، بر این اساس از آنجایی که وجود فرهنگ مشترک یکی از مؤلفه‌های جغرافیایی است که به سرعت بار و معنای سیاسی یافته و بازیگران سیاسی از آن به عنوان ابزار اعمال قدرت و فشار بر رقبای خود استفاده می‌نمایند و در مقابل دستگاه حاکمه همه کشورها نیز نسبت به انجام این نوع فعالیت از سوی دیگران در قلمرو خود حساس می‌باشند و به عنوان مثال واکنش‌های منفی کشورها نسبت به استفاده دیگران از ابزار جغرافیایی زبان برای احیای نیروهای گریز آن‌ها، به خوبی گویای این حقیقت است که مؤلفه‌های جغرافیایی هرگاه بار سیاسی پیدا نمایند واکنش‌های مثبت و منفی مختلفی را در پی خواهند داشت که منجر به ایجاد همگرایی و یا واگرایی در نواحی جغرافیای شده و زمینه مناسبی برای اعمال قدرت بازیگران سیاسی منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای را فراهم می‌نمایند بر این اساس از آنجایی که بهره‌برداری بهینه از فرصت‌های موجود در این زمینه مستلزم شناسایی دقیق بازیگران، عناصر جغرافیایی و چگونگی این تأثیرات آن بر روابط کشورها انجام مطالعات علمی است در این مقاله، حوزه ژئو کالچر ایران و آذربایجان که ضمن اهمیت استراتژیکی آن از تنوع بالای بازیگران و مؤلفه‌های جغرافیایی طبیعی و انسانی نیز برخوردار می‌باشد به عنوان نمونه‌ای قابل تعمیم به سایر مناطق برای مطالعه انتخاب گردیده تلاش شد با استفاده از نظریات عوامل جغرافیایی مؤثر در همگرایی و واگرایی و تحول منطقه ژئوپلیتیکی دکتر محمدرضا حافظ نیا ضمن ارزیابی فرضیه‌ها مؤلفه‌های جغرافیایی تأثیرگذار در این حوزه تبیین گردد.

مزیت‌های جغرافیایی کشورها از طیف گسترده‌ای برخوردار است. لکن برخی از کشورها از تمام یا بخشی از آن برخوردارند و برخی از آن‌ها را ندارند. این ضرورت وابستگی متقابل جغرافیایی، فلسفه همکاری و تعامل بین‌المللی و توسعه و تکامل سیستم سیاسی جهان است. البته دولت‌ها برای تأمین نیازهای خود همیشه از روش‌های مسالمت‌آمیز استفاده نمی‌کنند و گاهی با ترفندهای سیاسی، سلطه، نفوذ، زور و غیره سعی بر تعرض، کنترل و تصرف مزیت‌های جغرافیایی دیگران را دارند. ژئوکالچر، یعنی اهمیت دادن به عناصری چون فرهنگ، زبان، قومیت و مذهب در کنار سایر عوامل ژئوپلیتیکی است. به نظر می‌رسد ژئوپلیتیک نوین ترکیبی از مفاهیم ژئوپلیتیک کلاسیک، ژئوآکونومیک و ژئوکالچر باشد. ژئوکالچر یا ژئوپلیتیک فرهنگی فرآیند پیچیده‌ای از تعاملات قدرت، فرهنگ و

محیط جغرافیایی است که طی آن فرهنگ‌ها هم چون سایر پدیده‌های نظام اجتماعی همواره در حال شکل‌گیری، تکامل، آمیزش، و جابجایی در حال زمان و در بستر محیط جغرافیایی کره زمین هستند. به عبارت دیگر ژئوکالچر ترکیبی از فرایندهای مکانی - فضایی قدرت فرهنگی میان بازیگران بی‌شماری است که در لایه‌های مختلف اجتماعی و در عرصه محیط یکپارچه کره زمین به نقش‌آفرینی پرداخته و در تعاملی دائمی با یکدیگر به سر می‌برند. اثر برخوردارهای فرهنگی بر شکل‌گیری‌های سیاسی را می‌توان ژئوکالچر نامید. مناسبات بین‌المللی فقط به روابط سیاسی و اقتصادی بین دولت‌ها ختم نمی‌شود، بلکه فرهنگ و مسائل قومی از نقش و جلوه قابل توجهی برخوردارند بنابراین می‌توان چنین عنوان نمود که مطالعه رابطه بین فرهنگ با همه عمق و وسعت آن با سیاست و قدرت، موضوعی است که می‌تواند مورد توجه ژئوپلیتیک قرار گیرد.

جغرافیا و فرهنگ رابطه‌ای وثیق و عمیق دارند. انسان خود را متعلق به سرزمینی می‌داند که در آن رشد یافته و به آن تعلق پیدا کرده است. او گروه و جامعه خود را با ویژگی‌ها و عناصر فرهنگی می‌شناسد و خود را عضو آن می‌داند. از این رو انسان‌ها در شرایط فرهنگی و جغرافیایی خاص و تحت تأثیر عوامل جغرافیای سرزمین هویت می‌یابند و از طریق آن‌ها متمایز می‌شوند از نظر «نیچه» نیز فهم هویت، مستلزم نگاه مبتنی بر زمان و مکان است. در خصوص تأثیر محیط بر عادات و فرهنگ‌ها در جغرافیا دو دیدگاه جبرگرایی محیطی و امکان‌گرایی (اختیار گرایی) وجود داشته و دیدگاه‌های بعدی نیز به‌نوعی تداوم یا ترکیبی از این دو دیدگاه هستند. برهم‌کنشی انسان و محیط و شکل‌گیری فرهنگ برآمده از این تعامل، در چارچوب این دو دیدگاه فکری قابل واکاوی است. از یک‌سو، فرصت‌ها و محدودیت‌های ناشی از محیط جغرافیایی و طبیعی، بلاشک در نوع معیشت، سبک زندگی و در واقع فرهنگ آن مکان تأثیرگذار است. به گونه‌ای که تک تک عناصر فرهنگ یک سرزمین از شرایط جغرافیایی و اقتضات محیط اثر می‌پذیرد و در طول زمان به مثابه صورتی از سبک زندگی و هویت فرهنگی هر قوم و ملتی، جلوه می‌نماید و از سوی دیگر، فرهنگ با تمام ویژگی‌ها و عناصر آن همچون روحی در کالبد خامی یک سرزمین و قلمرو جغرافیایی دیده می‌شود و هویت می‌آفریند.

به نظر کارل ساور جغرافیای فرهنگی نظام علمی سازمان یافته‌ای است که در آن توجه جغرافی دان به ریشه فرهنگی است که سیمای کلی چشم‌اندازهای جغرافیایی را خلق کرده است، بنابراین چشم‌انداز جغرافیایی بدون مطالعه در فرهنگی که در ساخت و پرداخت آن دخالت مؤثر دارد نمی‌تواند تشریح و توجیه گردد، به بیانی دیگر با نگرشی در تاریخ و پراکندگی تمدن ملت‌ها می‌توان نقش فرهنگ‌های سازنده و خلاق را در تکوین جوامع و شکل‌یابی آن‌ها دریافت. جغرافیای فرهنگی بر توصیف و تجزیه و تحلیل نحوه تفاوت و یکسانی در زبان، مذهب، اقتصاد، حکومت و دیگر پدیده‌های فرهنگی از مکانی به مکانی تکیه دارد. در واقع جغرافیای فرهنگی بیش از آن که صرفاً به محیط‌زیست انسان مربوط باشد، با تکیه بر فرهنگ انسان دارد. بنابراین جغرافیای فرهنگی آن بخش از جغرافیاست که فرهنگ را در مفهوم کلی و عام آن، یعنی؛ «دستاوردهای بشری» و «دستاوردهای اجتماعی انسان» می‌نگرد.

ناحیه فرهنگی به مثابه ناحیه‌ای که توسط انسان‌هایی با یک یا چند خصیصه فرهنگی مشترک (زبان، مذهب، اقتصاد، سازمان اجتماعی و الگوی سکونت) اشغال شده است، تعریف می‌شود. هیچ کدام از ویژگی‌های فرهنگی، پراکنش یکسان ندارند و گستره قلمرو ناحیه فرهنگی بستگی به گونه ویژگی مورد تعریف دارد. این نواحی از طریق ارتباط و

تماس میان انسان‌ها موجودیت یافته‌اند. تمامی نواحی فرهنگی رهاورد پخش فرهنگی، گسترش اندیشه‌ها، نوآوری‌ها و انگیزه‌ها هستند.

جغرافیای فرهنگی به توصیف و تجزیه و تحلیل نحوه تفاوت و تشابه پدیده‌های فرهنگی، همچون: زبان، مذهب و اقتصاد از مکانی به مکان دیگر می‌پردازد. در واقع جغرافیای فرهنگی بیش از آنکه به محیط طبیعی انسان معطوف باشد، بر فرهنگ تکیه دارد. در جغرافیا فرهنگ «شیوه زندگی» گروهی از انسان‌ها تعریف شده است.

ابعاد سه گانه چشم‌انداز - فضا در جغرافیای فرهنگی به شرح ذیل است: قلمرو که شامل مرزها و علائم جغرافیایی که دارای ساختار سیاسی با مراکز، هسته‌ها و پیرامون است. محیط و نظام جغرافیایی، ساختار جغرافیایی و اکولوژیکی، مثل: خاک، گیاهان، شبکه آب‌ها، آب‌وهوا، تراکم انسانی، شبکه ارتباطات. انسان متعلق به این نظام اکولوژیکی است، زیرا همه محیط‌های جغرافیایی، محیط‌های انسان زده و متأثر از فعالیت‌های او هستند. نمادگرایی، ساختار رمزی از یک محیط جغرافیایی که به دنیای اطراف ما معنا می‌بخشند، در ارتباط با اخلاقیات و متافیزیک هستند. این نمادها معنویت یک مکان را به نمایش می‌گذارند. همان چیزی که ما از آن به «روح مکان» نام می‌بریم. در خصوص تأثیر محیط بر عادات و فرهنگ‌ها در جغرافیا دو دیدگاه جبرگرایی محیطی و امکان‌گرایی (اختیار گرایی) وجود داشته و دیدگاه‌های بعدی نیز به نوعی تداوم یا ترکیبی از این دو دیدگاه هستند. برهم کنشی انسان و محیط و شکل‌گیری فرهنگ برآمده از این تعامل، در چارچوب این دو دیدگاه فکری قابل واکاوی است. عوامل فرهنگی وابستگی‌های مکانی میان دو قلمرو جغرافیایی عبارت‌اند از:

مشابهت‌های فرهنگی از قبیل: زبان، دین و مذهب، قومیت و تاریخ است. بررسی این موضوع در قالب نزدیکی و مجاورت معنوی دو مکان یا زیست بوم دلایل گوناگونی دارد که یکی از آن‌ها مشابهت فرهنگی است. برای شناخت اینکه دو مکان انسانی تا چه اندازه به یکدیگر وابستگی دارند، می‌توان از میزان اشتراک مؤلفه‌های فرهنگی آن‌ها سود جست. دو مکانی که ویژگی‌های مشترک زبانی، قومی، مذهبی و... دارند، به مراتب بیشتر از مکان‌هایی که خصیصه‌های مشترک ندارند، به یکدیگر وابستگی نشان می‌دهند. مجاورت معنوی کشور ایران با کشورهای مانند افغانستان (اشتراکات زبانی)، تاجیکستان (اشتراکات زبانی) و عراق (اشتراکات مذهبی) از مثال‌های بارز آن است. عکس این قضیه نیز صادق است که عدم تطابق و همپوشی باعث گسستگی یا به عبارتی واگرایی آن‌ها می‌شود.

در این مقاله بر اساس برداشت نگارنده از نظریات جغرافیایی ژئوکالچر حاصل تعامل ۳ مؤلفه جغرافیا، انسان و قدرت بوده، تأثیرات متقابل عناصر جغرافیایی و فرهنگ عامل اصلی شکل‌گیری بقا، همگرایی و واگرایی واحدهای سیاسی از طریق تعیین اهداف ملی و کدهای ژئوپلیتیکی کشورها دانسته شده است و از آنجایی که دغدغه اصلی همه کشورهای فعال در عرصه بین‌الملل از جمله جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان به عنوان کشورهای علاقه‌مند به قلمرو سازی و گسترش حوزه نفوذ در فراسوی مرزها بهره‌برداری مطلوب از قدرت ناشی از روابط سیستماتیک مؤلفه‌های جغرافیایی که ضمن الفت و همسویی و سازگاری با یکدیگر کارکرد مشترک یافته‌اند در راستای ایجاد همگرایی با همسایگان است. مسئله اصلی مطروحه در این مقاله، چگونگی تأثیرگذاری مؤلفه‌های جغرافیایی بر روابط فرهنگی با کشورهای هدف است؟

در بررسی فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر اینکه مؤلفه‌های جغرافیایی انسانی و طبیعی بر روابط دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان تأثیرگذار است با استناد به یافته‌های آماری مشخص شد رابطه معناداری بین متغیرها برقرار است؛ و بر این اساس فرضیه این تحقیق تأیید گردیده است همچنین نظریات مربوط به همگرایی و واگرایی نیز تاثیرگذاری مؤلفه‌های جغرافیایی (طبیعی و انسانی) بر (روابط دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان) را تأیید می‌نماید. ضمناً یافته‌های این تحقیق با تعدادی از پژوهش‌های قبلی انجام گرفته که در فصل دو کاملاً تشریح گردیده همخوانی داشته و نتایج این تحقیقات نیز فرضیه مطروحه را تأیید کرده است. به عنوان مثال مسلم کرمزادی در مقاله خود با عنوان تبیین زمینه‌های همگرایی در روابط ایران و جمهوری آذربایجان و چالش‌های آن از ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۴ م وجود تاریخ مشترک، پیوندهای فرهنگی دینی و مذهبی و روابط اقتصادی را به عنوان عوامل همگرایی با تأکید بر عامل اقتصادی منطقه اقتصادی خزر را واجد زمینه‌های لازم برای ایجاد اتحادیه کشورهای منطقه می‌داند پیروز مجتهد زاده، در مقاله خود با عنوان تحلیل و بررسی همپوشی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در تعامل با جمهوری آذربایجان با واقعیت‌های ژئوپلیتیک، عواملی نظیر همسایگی، اشتراک مذهبی تجانس جمعیتی، تاریخی، فرهنگی را به عنوان عوامل همگرایی و مواضع تند ناسیونالیستی در جمهوری آذربایجان را عامل واگرایی می‌داند، میر عبدالله حسینی در مقاله خود با تأکید بر عامل اقتصادی مؤلفه‌هایی نظیر تجارت، بهره‌برداری از منابع زیر زمینی، هم‌جواری، جمعیت مناسب به عنوان بازار مصرف، اشتغال جمعیت، توسعه انسانی، تولید ناخالص ملی، سرمایه خارجی موجود در منطقه، اندازه اقتصاد کشورها، عملکرد خوب لجستیکی را به عنوان زمینه‌های مؤثر در همگرایی این منطقه معرفی نموده، ام البنین چابکی در مقاله خود پان آدریس، گسترش رابطه با آمریکا، همکاری با ناتو حذف ایران از قراردادهای نفتی عدم تعیین رژیم حقوق خزر را از جمله چالش‌های موجود روابط دو کشور ایران و آذربایجان می‌داند. مسلم کرم زادی در مقاله خود تاریخ مشترک، پیوندهای فرهنگی، دین و مذهب مشترک، روابط اقتصادی را عوامل همگرایی و بی‌اعتمادی دوجانبه و رویکرد امنیتی متفاوت دو کشور، بحران قره باغ، اختلاف در زمینه خزر، منابع نفت و گاز و روابط با آمریکا و اسرائیل و روسیه را عامل واگرایی می‌داند عنایت‌الله یزدانی و احسان فلاحی در مقاله خود ضمن تأیید تأثیر عناصر جغرافیایی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، الزامات خاص مذهبی جمهوری اسلامی ایران و وجود حوزه تمدن ایرانی و حوزه تمدن اسلامی را در این زمینه مؤثر می‌داند.

منابع

- احمدی نوحدانی، سیروس (۱۳۹۴)، نظریه‌های علمی پژوهش محور در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، تهران: نشر پاپلی.
- احمدی، سید عباس (۱۳۹۶)، آراء و نظریه‌های علمی دکتر محمدرضا حافظ نیا، نشر پاپلی.
- چابکی، ام البنین، (۱۳۸۸)، چالش‌های روابط ایران و جمهوری آذربایجان، مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۲، تابستان و پاییز
- حافظ نیا، محمدرضا، احمدی پور، زهرا، قادری حاجت، مصطفی (۱۳۹۴) سیاست و فضا، انتشارات پاپلی.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۱)، افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی، سمت.
- حسینی، میر عبدالله (۱۳۹۷)، شاخص‌های توسعه کشورهای ساحلی خزر در فرایند همگرایی منطقه‌ای، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۱ شماره یکم بهار و تابستان

- حیدری، محمد و محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۶)، «تحولات ژئوپلیتیکی دهه پایانی قرن بیستم و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره دوم.
- کرزادی، مسلم (۱۳۹۶)، تبیین زمینه‌های همگرایی در روابط ایران و جمهوری آذربایجان و چالش‌های آن از ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۴ م، مطالعات اوراسیای مرکزی دوره دهم شماره یک بهار و تابستان ۱۷۱-۱۸۸.
- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۷۹)، ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی: مطالعه در روابط جغرافیا و سیاست در جهان دگرگون شونده، تهران: نشر نی.
- مجیدی، محمدرضا و دهشیری، محمد رضا (۱۳۷۸)، رهاورد غرب آسیا برای مفهوم امنیت انسانی، «فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴۱، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- میرحیدر، دره، راستی، عمران، میر احمدی فاطمه سادات (۱۳۹۳) مبانی جغرافیای سیاسی، سمت
- واحدی، الیاس (۱۳۸۲)، برآورد استراتژیک آذربایجان، موسسه ابرار معاصر تهران.
- یزدانی، عنایت‌الله و احسان فلاحی (۱۳۹۲)، بررسی گفتمان تغییر و تداوم اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۴ زمستان
- یزدانی، عنایت‌الله، مجتبی تویسرکانی، سوسن مرادی، (۱۳۸۶)، تبیین ژئوپلیتیکی رقابت قدرت مطالعه موردی: اوراسیای مرکزی در بازی بزرگ، فصلنامه ژئوپلیتیک سال سوم، شماره سوم.

<http://www.hotels-europe.com>

<https://dlca.logcluster.org>

<https://wiki--travel.com>

<https://pasarelapr.com>